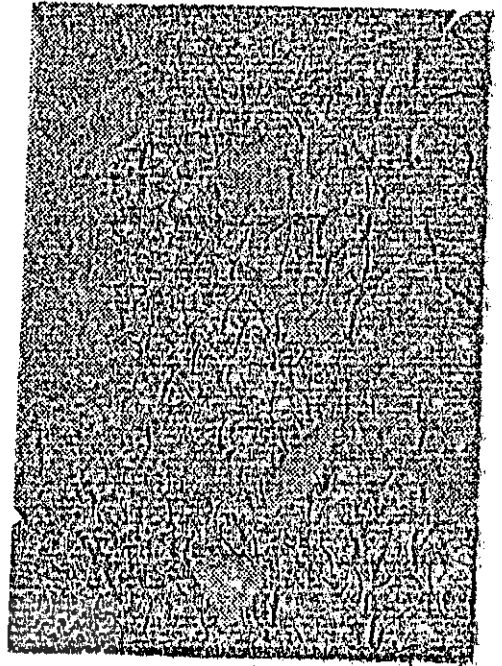


نگارنده این وقایع شادروان دکتر حسین خان کحال یکی از مشروطه خواهان مجاهد و صدیق و اهمیت این یادداشتها از آنجاست که وی واقعه هر روز از این انقلاب عظیم را، باشیوه ای خلاصه و ساده و بی حشو و زوائد، بهمان گونه که دیده یا شنیده، در تقویمی چایی، بخطرین نوشته است. بنابراین از لحاظ جریان بیایی روزانه اتفاقات و تاریخ صحیح وقوع آنها، جای هیچگونه شك و تردید نیست و میتواند وقایع نگاران و تاریخ نویسان راست و حجت باشد.



مهاگمه و مجازات مخالفین مشروطیت بعد از رفتن محمدعلیشاه

دنیاله مقاله شماره سوم و چهارم سال اول صفحه ۳۱۴-۳۱۷

پنجشنبه ۱۱ رجب الخیر ۱۳۲۷ قمری = ۱۱ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی
 بعد از استنطاق صنیع حضرت را بدار زدند و مناخر الملك را تیر باران کردند و شیخ فضل اله نوری و آخوند آملی و مجد الدوله و غلام حسین خان رئیس نظمیه را بداره نظمیه آورده مشغول استنطاق شدند و قوام الدوله و موثق الملك را بعدلیه آوردند.
 شنبه ۱۳ رجب ۱۳۲۷ = ۱۳ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی
 بعد از استنطاق کلی شیخ فضل اله را بدار زدند و ازدحام غریبی شد و آنقدر مردم اظهار مسرت کردند و فریاد زنده باد گفتند که حد نداشت.

یکشنبه ۱۴ رجب ۱۳۲۷ = ۱۴ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = اول اوت ۱۹۰۹ میلادی
 آجودانباشی توپخانه را بدار زدند.

دوشنبه ۱۵ رجب ۱۳۲۷ = ۱۵ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = دوم اوت ۱۹۰۹ میلادی
 اتباع میرهاشم بنای شرارت را گذاشتند از تهران سوار بختیاری و مجاهد مسامور

شدند و آنها را متفرق و متواری نمودند

یادداشت‌های پانزده روزه اول ماه رجب الخیر ۱۳۲۷

بعد از آنکه ملت فاتح و منصور گردید عفو عمومی داده شد حتی بشیخ فضل‌اله و اتباع ایشان و بنامد شیخ فضل‌اله برود بچندق. ضمناً کشف شد که تشکیل انجمن داده شود و شیخ فضل‌اله و اسمعیل خان آجودانباشی و آخوند آملی و چند نفر که در انجمن مشغول اغتشاش و تفتین هستند و تهیه لباس مجاهدی کرده که یکدفعه بنای هیاهو در شهر بگذارند و در شمیران هجوم بسفارتخانهها ببرند و در سفارت قتلی برآه بیندازند و دولت روس را محق نموده و بیانه بدست بدهند قشون روس وارد نمایند لهذا ناچار شیخ فضل‌اله را بسدار زده و سایر اعضاء انجمن را گرفته تنبیه و تبعید کردند اگرچه مستبدین عجزاً ساکت هستند ولی بودن قشون روس قوت قلب آنها است و ورود آنها را بطهران حتمی میدانند و اغلب روسای مستبدین در کمال جسارت در دربار آمده بلکه جای مشروطه طلبان را تنگ مینمایند (در کمال وقاحت و بیشرمی رفتار مینمایند).

سه شنبه ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۷ = ۱۶ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۳ اوت ۱۹۰۹ میلادی
پالکونیک لیاخوف را بروسیه احضار کردند و روانه شد و حاصل آنکه شهرت داده بودند که لیاخوف را بکلی از نظام روس خارج کرده اند و دیگر در روسیه سمت نسوگری ندارد و محمدعلیشاه او را شخصاً طالب است.

چهارشنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۷ = ۱۷ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۴ اوت ۱۹۰۹ میلادی
عمده جواهرات را از محمد علی میرزا (شاه) گرفته و قراری جهت باقی آن گذاشتند و ملزم شد از این تاریخ الی پانزده روز دیگر از ایران برود.

شنبه ۲۰ رجب ۱۳۲۷ قمری = ۲۰ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۷ اوت ۱۹۰۹ میلادی
تقی زاده در کمال جلال وارد شد.

یکشنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۷ قمری = ۲۱ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۸ اوت ۱۹۰۹ میلادی
ظل السلطان را در منجیل توقیف کردند چونکه خیال داشت با سباب چینی نایب السلطنه شود و این مضر بحال جامعه است.

دوشنبه ۲۲ رجب ۱۳۲۷ قمری = ۲۲ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۹ اوت ۱۹۰۹ میلادی
میرهاشم را بعد از استنطاق بدارزدند.

پنجشنبه ۲۵ رجب ۱۳۲۷ قمری = ۲۵ مرداد ۱۲۸۸ شمسی = ۱۲ اوت ۱۹۰۹ میلادی
افتتاح مجلس مدیره موقتی

جمعه سوم شعبان المعظم ۱۳۲۷ قمری = ۳ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = ۲۰ اوت ۱۹۰۹ میلادی

جعفر قلی خان سهام الدوله حاکم شیراز شده حرکت نمود مخبر السلطنه از فرنگستان

وارد تبریز شده بحکومت منصوب گردید .

شنبه ۴ شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۴ شهریور ۱۲۸۸ شمسی - ۲۱ اوت ۱۹۰۹ میلادی
محمد حسن میرزا برادر کوچک سلطان احمدشاه بولیعهدی برقرار شد .

جمعه دهم شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۱۰ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = ۲۷ اوت ۱۹۰۹
میلادی

وضع مجاهدین و درباریان و کلیه اوضاع بسیار مغشوش است و اگر وضع بهمین
حال باشد وداع آخریرا باید کرد و اغلب مجاهدین بخیال منافع شخصی هستند و از تکالیف
خود بکلی خارج شده اند .

چهارشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۱۵ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = اول سپتامبر
۱۹۰۹ میلادی

وضع نفاق مجاهدین تغییر کرد و آثار اتفاق کلی ظاهر شد . چون جمعی مجدداً
انجمن کرده بنای فساد را داشتند دستگیر گردیدند .

یادداشت نیمه اول ماه شعبان ۱۳۲۷ قمری

وضع رفتار یکی از روسای مهم و سایر سرکردگان مجاهدین تغییر کرده و کلیه درپی
منافع شخصی و اغراض نفسانی هستند و مجاهدین طهرانی و مجاهدین وارد تهران شده
کمال ضدیت را دارند و چندیست که کارها مهمل شده و چندان صورت خوشی ندارد و
مستبدین هم وقت را غنیمت شمرده مشغول اجرای مقاصد خود شده اند و انجمن داشته
کشف شده گرفتار شدند و اسامی آنها از این قرار است : آقای سید محمد یزدی - موید -
السلطنه - میرزا آقا اصفهانی - میرزا مطلب - حاجی کاظم تبریزی - حاج میرمناف -
مجدد الاسلام - شیخ عیسی چالمیدانی - سالار معتضد - میرزا عبدالرحیم - حسین عابدین پسر
جبار - عباسعلی ممقانی - حسن همدانی - عبداله خادم - ابراهیم خمیرگیر - سید حسین
بروجردی - شیخ علی برادر شیخ عیسی - برهان الذاکرین .

سه شنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۲۱ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = ۷ سپتامبر ۱۹۰۹ میلادی
قریب چهل دکان از دکانهای بازار لب خندق رامتقارن سحر آتش زدند و بهیچوجه
شباهت آتش گرفتگی ندارد معهداً چندین نفر را گرفتار استنطاق مینمایند .

پنجشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۲۳ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = ۹ سپتامبر ۱۹۰۹
میلادی

اعلی حضرت محمدعلی میرزا از زرگنده بعزم خارج شدن از ایران با اتباعش خارج
شد - بسیار باتانی مسافرت مینمایند مثل آنکه انتظاری دارد که از طهران بفرستند و
استدعای مراجعت نمایند یا آنکه از اطراف پیایند مانع از رفتنش بشوند اگر چه قبل از

حرکت تقی زاده را خواسته بطور التماس تمنا کرد که در ایران بماند فایده نکرد .
چهارشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۲۷ قمری = ۲۹ شهریور ۱۲۸۸ شمسی = ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۹ میلادی

از کلیه مجاهدین خلع اسلحه کردند ترك اسلحه مجاهدین فایده پلتيكي خوبی کرد
وحسن اثر در نظر خارجه نموده چونکه میگفتند ترك اسلحه کردن مجاهدین خالی از
زحمت نیست .

یادداشت نیمه دوم ماه شعبان المعظم ۱۳۲۷ قمری

گمان می رود نفاق اهالی تهران باعث تجری سایر نقاط شده اغلب ولایات مغشوش
شده است مخصوصاً در زنجان ملاقر بانعلی برضد مشروطه رفتار مینماید و از طرف محمد
علی میرزا اشاره شده از قرار معلوم تهید قوه دیده که از حرکت محمدعلی میرزا از تزوین
جلوگیری کند خلاصه بطور کلی اوضاع خوش منظر نیست تا نتیجه چه شود .
پنجشنبه ۱۴ رمضان ۱۳۲۷ قمری = ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۸ شمسی = ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۹ میلادی

محمد علی میرزا از سرحد خارج شده روانه (اودسا) شد . صورت اشتناصیکه
تذکره گرفتند از اینقرار است : حاجی اسمعیل مغازه - سعد الدوله امیر بهادر - مختار
الدوله - مجلل السلطان - شیخ محمود ورامینی - امام جمعه - حاج ملاعلی اکبر - حاج
علی اکبرخان - عبداله خان خواجه - کامران میرزا (نایب السلطنه) - حبیب اله خان - علی
خان ارشدالدوله - حمیدالملک - ملکه جهان - سروردالدوله تذکره مفید ۷ عدد - تذکره
زن ۱۵ عدد

یادداشت نیمه اول ماه رمضان المبارک ۱۳۲۷ قمری

اگرچه محمدعلی میرزا رفت ولی نوعی تخم نفاق راکاشته است که بهیچوجه امید
بهبودی نمی رود . رفته رفته مستبدین مشغول کار شده اند و اغلب ولایات دودسته شده برضد
هم کار میکنند و مشروطه طلبان هم اغلب برای خود کار میکنند و اغلب روسای مجاهدین
از یکدیگر بدو ناشایسته میگویند حتی از سپهدار و سردار اسعد . روسها اگرچه ظاهراً اظهار
تمدن میکنند ولی بهیچ وجه خودداری در برپا نمودن فتنه و اغتشاش ندارند و علنا اسباب
چینی میکنند گرچه انگلیس ها هم هستند ولی شهرت روسها دارد وضع حالیه خیلی اسباب
یاس عمومی است .

سه شنبه ۱۹ رمضان ۱۳۲۷ قمری = ۱۹ مهر ماه ۱۲۸۸ شمسی = ۵ اکتبر ۱۹۰۹ میلادی

رفتن امیر اعظم بحکومت استرآباد باتفاق دکتر منوچهرخان (دکتر منوچهرخان

فرزند ارشد دکتر باقرخان سیاح سپانلو طبیب مخصوص مظفرالدین شاه است)
دوشنبه ۲۵ رمضان ۱۳۲۷ قمری = ۲۵ مهر ماه ۱۲۸۸ شمسی = ۱۱ اکتبر ۱۹۰۹ میلادی
تسمت عمده قشون روس از تبریز رفتند و وعده داده اند که تا مقداری قشون به تبریز
و قزوین برود تماماً خواهند رفت .

جمعه ۱۴ شوال المکرم ۱۳۲۷ قمری = ۱۳ آبان ۱۲۸۸ شمسی = ۲۹ اکتبر ۱۹۰۹
میلادی

معز السلطان بااردوی مرکب از مجاهدین و توپخانه و غیره از طهران بطرف اردبیل
حرکت کرد .

یادداشت نیمه اول ماه شوال المکرم ۱۳۲۷ قمری

عجالتاً وضع اردبیل بسیار قابل ملاحظه شده و تقریباً نزدیک بوضوح است که روس‌ها
ایلات و عشایر و سایر طوائف شاهسون را مهیج و محرک هستند که بسمت تهران روانه
شوند و دور اردبیل را محاصره کرده ناچار ستارخان بسراب فرار کرده اگرچه استعداد نظامی
از اطراف فرستاده میشود ولی آثار بدی تصور میشود .

سه شنبه ۱۸ شوال ۱۳۲۷ قمری = ۱۷ آبان ماه ۱۲۸۸ شمسی = ۲ نوامبر ۱۹۰۹
میلادی

قشون روس از قزوین بعزم خارج شدن از سرحد حرکت کردند (البته باین آسانی
رفتن یک معنائی است) .

یکشنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۷ قمری = ۲۲ آبان ۱۲۸۸ شمسی = ۷ نوامبر ۱۹۰۹ میلادی
مسیویپرم بااردوی مشتمل از مجاهدین و بختیاری و قزاق و توپخانه که مجموعاً
ششصد نفر بودند و توپ آنها شنیدرو مسلسل بوده حرکت کردند .

یکشنبه ۳۰ شوال ۱۳۲۷ قمری = ۲۹ آبان ۱۲۸۸ شمسی = ۱۴ نوامبر ۱۹۰۹ میلادی
ورود آقا مجتهد بطهران در کمال اجلال و احترام قریب ندهزار نفر تساقم
استقبال کردند (از ورود آقاراضی نیستند که مبادا باز اوضاع سابق را فراهم آورد و شروع
برشوه گرفتن کند)

یادداشت نیمه دوم ماه شوال المکرم ۱۳۲۷ قمری

رحیم خان بقوه قهریه و اردار دبیل شده و اغلب مشروطه طلبان را کشت و شهر را
غارت کرده و حال اهالی بسیار سخت و بد است و حاکم اردبیل پناه بقتسولخانه روس برده
است و از قفقازیه سوارو پیاده و توپخانه جهت حفظ اتباع روس فرستاده شده و روسها از یک
طرف رحیم خان و شاهسون هارا تحریک مینمایند و از طرف دیگر قشون میفرستند معلوم
نیست بحمایت رحیم خان است یا برعکس چیزیکه الحال مفید بحال ملت است فقط مغایرت
بین شاهسونها است که حالیه پیدا شده .